

رابطه سرمایه اجتماعی و دانش تغذیه‌ای ورزشکاران

فردین محمدی^۱، علی ملکی^۲

دریافت: ۱۳۹۴/۵/۲۰؛ پذیرش: ۱۳۹۴/۸/۱۵

چکیده

مفهوم سرمایه اجتماعی یکی از مفاهیم رایج در مطالعات جامعه‌شناختی معاصر است. برخی از صاحب‌نظران معتقدند که سرمایه اجتماعی نقش مؤثری در موفقیت افراد برای دستیابی به اهداف دارند. از این رو، هدف اصلی این مقاله تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و دانش تغذیه‌ای ورزشکاران است. به منظور دستیابی به این هدف، چارچوب نظری تحقیق براساس نظریه بوردیو، تنظیم و براساس آن فرضیه‌های تحقیق مطرح گردید. جامعه آماری این تحقیق ۲۳۰۰ ورزشکار شرکت‌کننده در المپیاد ورزشی سال ۱۳۹۳ به میزبانی دانشگاه بهشتی است که با استفاده از جدول مورگان و روش نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبی ۳۱۰ نفر از آنها انتخاب شدند. در این مقاله از روش پیمایشی و ابزار پرسشنامه جهت گردآوری داده استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد که میان سرمایه اجتماعی و دانش تغذیه‌ای ورزشکاران رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

کلیدواژه: سرمایه اجتماعی، بوردیو، دانش تغذیه‌ای، ورزشکاران.

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصاد و توسعه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول).
Fsheta.fardin@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
Al.maleki@sbu.ac.ir

امروزه، در دنیای ورزش، تمرین مکرر به عنوان تنها عامل کلیدی رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده، محسوب نمی شود و پیشرفت قهرمانان در رشته های ورزشی گوناگون تنها وابسته به تمرین های دشوار و مداوم نیست، بلکه دانش و کیفیت تغذیه قهرمانان است که پیروزی یا عدم پیروزی آنان را در مسابقات ورزشی تعیین می نماید. به بیان دیگر، دانش تغذیه ای را می توان به عنوان عامل مساعدکننده تمرین های ورزشی در موفقیت ورزشکاران به حساب آورد. گروهی از اندیشمندان بر این باورند که ورزشکاران هنگامی عملکرد ورزشی بهتری خواهند داشت که دانش تغذیه ای مناسبی داشته و در مورد نحوه تغذیه و نیازمندی های غذایی خود، آگاهی کاملی داشته باشند (هیندری، کاونی و کاکس^۱، ۲۰۰۸: ۱۳۶۶). تغذیه مهم ترین عامل موازی با تمرینات ورزشی برای رسیدن به موفقیت محسوب می شود و تنها عاملی است که اثربخشی سایر عوامل به آن وابسته است. بنابراین، دانش تغذیه ای نقش مهمی در اتخاذ شیوه های مطلوب تغذیه ایفا می کند و برای ارتقای عملکرد ورزشی ورزشکاران لازم و ضروری است (موترام^۲، ۱۳۸۷: ۶۹). به طور کلی، امروزه نقش دانش تغذیه ای بر کسی پوشیده نیست و همه ورزشکاران، از مبتدی تا حرفه ای، این نکته را باور دارند که موفقیت های متوالی، بدون داشتن برنامه و دانش غذایی صحیح میسر نخواهد شد (مایر و همکاران^۳، ۲۰۰۷: ۷۵). به همین دلیل مربیان و برنامه ریزان ورزشی درصدد افزایش دانش غذایی مناسب ورزشکاران می باشند (سوزین^۴ و همکاران، ۱۹۹۷: ۱۶).

گروهی از اندیشمندان با استناد به اینکه «سرمایه اجتماعی^۵ به مثابه یک متغیر پیش بینی کننده می تواند عملکرد افراد را در زمینه دستیابی به اهداف متفاوت تقویت کند»، معتقدند که سرمایه اجتماعی می تواند عامل مؤثری در زمینه بهبود دانش تغذیه ای ورزشکاران باشد (سونگ، سون و لین^۶، ۲۰۱۰: ۳۳۱). مفهوم سرمایه اجتماعی از مفاهیمی است که امروزه مورد توجه جامعه شناسی، مدیریت، علوم سیاسی، علوم ورزشی و اقتصاد قرار گرفته و موضوعی مشترک بین این علوم است (لسر^۷، ۲۰۰۴: ۴). به تعبیر ولکاک^۸ سرمایه اجتماعی زبان تئوریک مشترکی است که به عالمان



1. Hendrie, Coveney, & Cox
2. Motram
3. Meyer, O'Connor, & Shirreffs
4. Sossin
5. Social capital
6. Song, Son. & Lin
7. Lesser
8. Woolcock

سیاسی، جامعه‌شناسان، اقتصاددانان و سایر اندیشمندان امکان کار با هم‌دیگر را در وضعیتی مفید می‌دهد (۱۹۹۸: ۱۱). در رابطه با مفهوم سرمایه اجتماعی تعاریف بسیاری وجود دارد و همین کثرت تعاریف سبب نوعی آشفتگی و عدم انسجام در معنای آن شده است (هارپر، ۲۰۰۱، ۶). به طور خلاصه می‌توان گفت که سرمایه اجتماعی به معنای پیوندها و ارتباطات میان اعضای یک شبکه است که با خلق هنجارها و اعتماد متقابل حمایت اجتماعی و انرژی لازم را برای تسهیل کنش‌ها فراهم می‌آورد و موجب تحقق اهداف اعضای آن می‌شود (عبداللهی و موسوی، ۱۳۸۶: ۱۹۰). بنا بر این سرمایه اجتماعی منبعی است که کنشگران به واسطه ارتباط با دیگر اعضا در گروه‌ها، شبکه‌ها و یا سازمان‌ها به دست می‌آورند (اسمیت، ۲۰۰۵: ۴). حال با توجه به آنکه ورزشکاران در گروه‌های ورزشی شان شبکه اجتماعی وسیعی دارند، و سرمایه اجتماعی (به مثابه یک مفهوم جامعه‌شناسی) در شبکه اجتماعی نهفته است و دستیابی به اهداف را برای اعضای شبکه تسهیل می‌کند، می‌توان از این مفهوم به مثابه یک متغیر پیش‌بینی کننده در زمینه دانش تغذیه‌ای ورزشکاران استفاده کرد.

مشاهدات پژوهشگران و مستندات علمی از یک سو، حاکی از آن است که دانش تغذیه‌ای ورزشکاران داخل کشور، در سطح پایینی قرار دارد و ورزشکاران و مربیان ورزشی سعی در افزایش آن دارند (امیرساسان، جعفری و پوررضی، ۱۳۹۲)؛ از سوی دیگر، ورزشکاران در گروه‌های ورزشی خود از سرمایه اجتماعی (روابط اجتماعی، تبادل نظر و مشارکت اجتماعی) خاصی برخوردارند که نقش کارکردی دارد و دستیابی به اهداف را برای اعضای شبکه تسهیل می‌کند. مسئله اساسی پژوهشگران آن است که آیا با افزایش سرمایه اجتماعی ورزشکاران، می‌توان سطح دانش تغذیه‌ای آنها را بهبود بخشید و به یکی از دغدغه‌های اصلی ورزشکاران و مربیان ورزشی پاسخ داد؟ به عبارت دیگر، چه رابطه‌ای بین سرمایه اجتماعی و دانش تغذیه‌ای ورزشکاران وجود دارد و سرمایه اجتماعی ورزشکاران چه تأثیری بر دانش تغذیه‌ای آنها دارد؟

۱. پیشینه تجربی

پژوهش‌های فراوانی در زمینه تأثیر سرمایه اجتماعی در سازمان‌های دولتی مانند بیمارستان‌ها، مدارس و نیروی انتظامی انجام شده است، اما در زمینه اثرگذاری سرمایه اجتماعی بر دانش

1. Harper
2. Smite



تغذیه‌ای ورزشکاران باشد - تا جایی که نویسنده اطلاع دارد - تحقیقی صورت نگرفته است. پژوهش‌های مشابهی در ارتباط با سرمایه اجتماعی و دانش تغذیه‌ای ورزشکاران به صورت مجزا انجام شده است که در ذیل به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود. در ابتدا پژوهش‌های داخلی و سپس پژوهش‌های خارجی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

ایمان و بنی فاطمه (۱۳۹۳) در پژوهشی تأثیر سرمایه اجتماعی زنان را بر میزان مشارکت ورزشی آنها بررسی کرده‌اند. آنها در این پژوهش از نظریه بورديو به عنوان چارچوب نظری استفاده نموده‌اند و برای دستیابی به پاسخ مسئله پژوهش از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه بهره برده‌اند. نتایج، بیانگر آن بوده که میزان مشارکت ورزشی زنان در شهر یزد در سطح متوسط است. نتایج آزمون فرضیه‌ها نیز بیانگر آن بوده که سرمایه اجتماعی تأثیر معناداری بر میزان مشارکت ورزشی زنان دارد. پارسامهر و ترکان (۱۳۹۱) در پژوهشی که به روش پیمایش انجام شده است به این نتیجه دست یافته‌اند که بین سرمایه اجتماعی و مشارکت پرستاران در فعالیت‌های ورزشی رابطه معناداری وجود دارد. رحمانی فیروزجاه و همکارانش (۱۳۹۰) در پژوهشی میزان سرمایه اجتماعی جوانان ورزشکار و غیرورزشکار را مورد مقایسه قرار دادند. آنها به منظور دستیابی به هدف پژوهش از روش پیمایش استفاده نمودند. نتایج، بیانگر آن است که تفاوت اندکی میان اعتماد اجتماعی دانشجویان ورزشکار و غیرورزشکار وجود دارد و بین کنش یاری‌گرایانه دانشجویان ورزشکار و غیرورزشکار تفاوت معناداری وجود دارد. در نهایت بین میزان سرمایه اجتماعی دانشجویان ورزشکار و غیرورزشکار تفاوت معناداری وجود دارد، به طوری که، مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد این تفاوت به نفع دانشجویان ورزشکار است. ابوالقاسمی و همکاران (۱۳۹۰)، در پژوهشی رابطه ابتکار شخصی، جهت‌گیری مذهبی و سرمایه اجتماعی سازمانی با دانش شغلی کارکنان مراکز تولیدی را با روش پیمایشی و ابزار پرسشنامه بررسی کرده‌اند. با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای ۲۰۰ نفر را به عنوان نمونه انتخاب نمودند. نتایج، نشان داد که بین ابتکار شخصی، جهت‌گیری مذهبی درونی و سرمایه اجتماعی سازمانی با دانش شغلی کارکنان مراکز تولیدی همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد، اما بین جهت‌گیری مذهبی بیرونی با دانش شغلی کارکنان مراکز تولیدی رابطه معنادار وجود ندارد. شارع‌پور و حسینی‌راد (۱۳۸۷) نیز در پژوهشی رابطه سرمایه اجتماعی و مشارکت ورزشی را مورد بررسی قرار داده‌اند. در این تحقیق از روش پیمایش استفاده شده و برای گردآوری داده‌ها نیز از ابزار پرسشنامه بهره گرفته شد. نتایج، بیانگر آن بود که مؤلفه‌های ارتباط دوستانه، اعتماد به دوستان، اعتماد به همسایگان، روابط همسایگی و انجام فعالیت‌های داوطلبانه همبستگی معناداری با مشارکت ورزشی دارند.



در پژوهش‌های خارجی نیز، استون^۱ و دیگران (۲۰۰۳) در مقاله‌ای پژوهشی با عنوان سرمایه اجتماعی در کار تأثیر سرمایه اجتماعی در بازار کار را در استرالیا بررسی نموده‌اند. آنها در بخش نظری پژوهش از نظریات پاتنام^۲ بهره برده و در بخش عملی نیز از روش تحقیق کمی استفاده نموده‌اند. حجم نمونه ۱۵۰۰ نفر و روش نمونه‌گیری نیز نمونه‌گیری تصادفی ساده بوده است. نتایج، بیانگر آن بود که بین سرمایه اجتماعی و موفقیت در بازار کار رابطه وجود دارد. به عبارت دیگر، شبکه‌های ارتباطی در موفقیت کاری مؤثر هستند و هر اندازه افراد در بازار، شبکه‌های ارتباطی گسترده‌تری داشته باشند، موفقیت بیشتری کسب می‌کنند. در پژوهشی دیگر، زیریش^۳ و دیگران (۲۰۰۵)، در مقاله‌ای پژوهشی با عنوان زندگی همسایگی و سرمایه اجتماعی، تأثیر آن بر سلامتی تأثیر سرمایه اجتماعی بر سلامتی افراد را بررسی کرده‌اند. آنها در این پژوهش از روش ترکیبی (کمی و کیفی) استفاده نموده‌اند و ابزار گردآوری داده‌ها نیز پرسشنامه و مصاحبه عمیق بوده است. نتایج پژوهش نشان داد که سرمایه اجتماعی هم بر سلامتی فیزیکی و هم بر سلامتی روانی افراد در گروه‌های بزرگسالان تأثیرگذار است.

در زمینه دانش تغذیه‌ای نیز پژوهش‌هایی انجام شده است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: امیرسان و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی دانش، نگرش و عملکرد تغذیه‌ای و عوامل مؤثر بر آن را در ورزشکاران نخبه استان آذربایجان شرقی بررسی کرده‌اند. در این پژوهش ۲۴۰ مرد و زن ورزشکار به روش انتخابی هدفمند برگزیده و با روش توصیفی - پیمایشی مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. نتایج نشان داد دانش، نگرش و عملکرد تغذیه‌ای ورزشکاران به طور معنی داری از حد مطلوب پایین‌تر بود. همچنین نتایج بیانگر آن بود که بین متغیرهای دانش، نگرش و عملکرد تغذیه‌ای رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود داشت. آذربایجانی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی به بررسی دانش تغذیه‌ای ۶۰ نفر از دوندگان استقامتی (۳۰ نفر دختر و ۳۰ نفر پسر) پرداختند که سن آزمودنی‌ها بین ۲۰ تا ۳۰ سال بود. نتایج نشان داد که بین دانش تغذیه‌ای دختران و پسران دانشجوی دوندگان استقامتی در زمینه‌ای تغذیه عمومی تفاوت معناداری وجود ندارد. هامدی^۴ و همکاران (۲۰۱۴) با استفاده از روش پیمایشی و تکنیک پرسشنامه به بررسی دانش تغذیه‌ای ورزشکاران رشته‌های مختلف ورزشی در دانشگاه ایالتی اوهایو پرداختند. این پژوهش نشان داد

1. Stone
2. Putnam
3. Zierish
4. hamady



که تفاوت معناداری بین دانش تغذیه‌ای مردان و زنان ورزشکار وجود دارد. به طوری که دانش تغذیه‌ای زنان ورزشکار بالاتر از مردان ورزشکار بود. دیگر نتیجه پژوهش بیانگر آن بود که تفاوت معناداری بین دانش تغذیه‌ای زنان در رشته‌های ورزشی مختلف وجود دارد، در صورتی که چنین نتیجه‌ای در ورزشکاران مرد مشاهده نگردید. در پژوهش دیگری، کوک برن^۱ و همکاران (۲۰۱۴) با استفاده از روش پیمایشی و تکنیک پرسشنامه به بررسی دانش تغذیه‌ای مربیان ورزشی درجه دو و سه در رشته هاکی در کشور انگلستان پرداختند که مشخص شد مربی‌هایی که آموزش رسمی مواد غذایی دریافت کرده بودند دانش تغذیه‌ای بالاتری نسبت به افرادی که چنین آموزشی دریافت نکرده بودند دارند. در نتیجه، مربی‌های ورزشی بریتانیایی از پیشرفت حرفه‌ای پیوسته مواد غذایی ورزشی سود بردند تا فعالیت مربیگری خود را افزایش بدهند. هولی^۲ و همکاران (۲۰۱۵) نیز در پژوهشی دیگر، با استفاده از روش پیمایشی و تکنیک پرسشنامه به بررسی دانش تغذیه‌ای ورزشکاران اتحادیه ملی ورزش دانشگاهی آمریکا^۳ پرداختند. نتایج بیانگر آن بود که دانش تغذیه‌ای ورزشکاران در حد متوسط است. دیگر نتیجه پژوهش آن بود که دانش تغذیه‌ای ورزشکاران دختر بیشتر از پسر است.

۲. مبانی نظری پژوهش

اصطلاح سرمایه اجتماعی را اولین باریک معلم جوان به نام هانینف^۴ که در آموزش و پرورش ایالت ویرجینیای آمریکا خدمت می‌کرد، برای تبیین دگرگونی‌هایی که در روابط اجتماعی دانش‌آموزان مشاهده کرد، به کار برد (هیروروس^۵، ۲۰۰۴: ۵). بعد از هانینف مفهوم سرمایه اجتماعی برای مدتی به حاشیه رفت تا اینکه جاکوب^۶ در دهه ۱۹۶۰ این مفهوم را در برنامه‌ریزی شهری و در اثر کلاسیک خود تحت عنوان مرگ و زندگی در شهرهای بزرگ آمریکا به کار برد. بعد از جاکوب، گلن لوری^۷ و ایوان لایت^۸ در دهه ۱۹۷۰ مفهوم سرمایه اجتماعی را برای شناسایی منابع مفید اجتماعی و توسعه

1. Cokburn
2. Holley
3. National Collegiate Athletic Association (NCAA)
4. Hanifan
5. Herrerros
6. Jacob
7. Glenn Loury
8. Ivan Light

سرمایه انسانی به کار بردند (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۴-۱۲). اما گسترش نظری و تجربی مفهوم سرمایه اجتماعی مرهون تلاش اندیشمندانی نظیر کلمن، پاتنام، بوردیو و فوکویاما است.

کلمن، یکی از نظریه پردازان بزرگ حوزه سرمایه اجتماعی، معتقد است سرمایه اجتماعی برآیند روابط میان افراد، گروه‌ها و اجتماع است که اعتماد می‌آفریند و این روابط و اعتماد در جای خود کنش جمعی را در رسیدن به هدف یا اهداف جمعی یاری می‌رساند. مفهوم سرمایه اجتماعی برای کلمن وسیله‌ای برای تبیین نحوه همکاری و تعاون افراد با هم دیگر بود. او بر این باور بود که سرمایه اجتماعی یکی از وسایلی است که افراد به کمک آن می‌توانند منافعی به دست آورند. کلمن سرمایه اجتماعی را بخشی از ساختار اجتماعی می‌دانست که به کنشگرا اجازه می‌دهد تا با استفاده از آن به منافع خود دست یابند و همچنین سرمایه اجتماعی را همانند سایر اشکال سرمایه مؤلّد می‌داند که دستیابی به اهداف معینی را امکان‌پذیر می‌سازد (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۶۲). بنابراین سرمایه اجتماعی از نظر کلمن مفید و دارای کارکرد است و به همین دلیل سرمایه اجتماعی را بر مبنای کارکرد آن تعریف می‌کند. می‌توان گفت که کلمن بر جنبه عمومی سرمایه اجتماعی تأکید می‌کند و آن را برخلاف سرمایه فیزیکی و سرمایه اقتصادی که کالای خصوصی هستند، یک کالای عمومی می‌داند که سود آن نه تنها شامل خود فرد، بلکه شامل افرادی که در آن ساختار هستند نیز می‌شود و به همین منظور، مثال انجمن‌های مدارس را ارائه می‌نماید (کلمن، ۱۹۸۸: ۳۶). تعریف او از سرمایه اجتماعی پُلی بین فرد و جمع ایجاد کرد. او سرمایه اجتماعی را به عنوان دارایی فرد در نظر می‌گیرد، اما آن را ساخته منابع ساختاری اجتماعی می‌داند (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۴۵).

پاتنام نیز، یکی دیگر از نظریه پردازان سرمایه اجتماعی، بر این باور است که سرمایه اجتماعی عبارت است از وجوه گوناگون سازمان اجتماعی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌های مشارکت اجتماعی که می‌توانند با تسهیل اقدامات هماهنگ، کارایی جامعه را بهبود بخشند. همچنین از نظر ایشان سرمایه اجتماعی همانند سایر سرمایه‌ها مؤلّد است و امکان دستیابی به اهداف مشخصی را فراهم می‌کند که بدون آن غیر قابل دسترسی خواهند بود (پاتنام، ۱۳۷۹: ۲۸۵). وی سرمایه اجتماعی را فراتر از سطح فردی به کار می‌گیرد و به چگونگی کارکرد سرمایه اجتماعی در سطح منطقه‌ای و ملی و تأثیر آن بر نهادهای دموکراتیک می‌پردازد و هدف سرمایه اجتماعی

1. Coleman
2. Bourdieu





را تأمین دموکراسی کارآمد و توسعه اقتصادی می‌داند (توسلی و موسوی، ۱۳۸۴: ۱۴). مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در نظر پاتنام شامل اعتماد، هنجارها و شبکه‌های مشارکت اجتماعی است که با تسهیل کنش‌ها، قادر هستند کارایی جامعه را بهبود بخشند. لازم به ذکر است که پاتنام اعتقاد دارد عواملی مانند عوامل اقتصادی، حضور زنان در نیروی کار، حومه‌نشینی، حاشیه‌نشینی، پراکندگی شهر، سرگرمی‌های الکترونیکی و از همه بیشتر تأثیر تلویزیون در خصوصی کردن اوقات فراغت و تغییرات نسلی از جمله عواملی هستند که سبب کاهش سرمایه اجتماعی در چند دهه اخیر- به ویژه در کشور آمریکا- شده‌اند (۲۰۰۰: ۲۸۳).

بورديو سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی را اشکال جدید سرمایه می‌نامد. وی سرمایه اجتماعی را انباشت منابع بالفعل و بالقوه‌ای می‌داند که مربوط به داشتن شبکه‌ای نسبتاً پایدار از روابط نهادینه شده از آشنایی و شناخت متقابل است و آن را ابزاری جهت تأمین و دستیابی به منافع فردی می‌داند (۱۹۸۶: ۴۹). شاخصی که بورديو برای سرمایه اجتماعی در نظر می‌گیرد عضویت افراد در کلوپ‌ها است. بنابراین ایجاد و اثربخشی سرمایه اجتماعی بستگی به عضویت در یک گروه اجتماعی دارد که اعضای آن مرزهای گروه را از طریق مبادله اشیاء و نهادها بنیان نهاده‌اند (فیلد^۱، ۱۳۸۸: ۳۰). وی سرمایه اجتماعی را ابزاری در جهت دستیابی به اهداف و منافع فردی می‌داند که عاملان اجتماعی را قادر می‌سازد که به طور مستقیم به منابع اقتصادی دست یابند و از طریق تماس با فرهیختگان و متخصصان، سرمایه فرهنگی خود را افزایش دهند. همچنین از نظری سرمایه اجتماعی دسترسی به فرصت‌ها، اطلاعات و موقعیت‌های اجتماعی را برای افراد افزایش می‌دهد (شارع‌پور و حسینی‌راد، ۱۳۸۷: ۱۳۹).

فوکویاما^۲ نیز یکی از نظریه‌پردازان سرمایه اجتماعی است که معتقد است «سرمایه اجتماعی مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی است که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میان‌شان مجاز است، در آن سهیم هستند.» البته از نظر او هرگونه مشارکتی در ارزش‌ها و هنجارها منجر به تولید سرمایه اجتماعی نمی‌شود، بلکه فقط آن دسته از هنجارهایی که مبتنی بر صداقت، انجام تعهدات و ارتباطات متقابل می‌باشند، می‌توانند در تولید سرمایه اجتماعی مؤثر باشند (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۱). فوکویاما سرمایه اجتماعی را همچون کالای خصوصی قلمداد می‌کند که شماری از آثار مثبت یا منفی بر آن حاکم است (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۱۷۱). از نظر فوکویاما، سرمایه اجتماعی تأثیری بسزا در دانش اقتصادهای مُدرن دارد و شرط لازم برای ثبات لیبرال دموکراسی

1. Fild

2. Fukuyama

است و جزء فرهنگی جوامع مدرن را، - که از عصرروشننگری به بعد براساس نهادهای رسمی، حاکمیت قانون و عقلانیت سازمان یافتند - تشکیل می دهد (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۱۶۹).

در این پژوهش با رجوع به اغلب دیدگاه‌های نظری و بهره‌گیری از نتایج به دست آمده از مرور آنها، از نظریه بوردیو برای تحلیل جامعه‌شناختی دانش تغذیه‌ای ورزشکاران و تنظیم چارچوب نظری پژوهش استفاده می‌شود. با توجه به این نظریه، عضویت ورزشکاران در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی ورزشی، زمینه شکل‌گیری سرمایه اجتماعی آنها را فراهم می‌آورد. یعنی سبب شکل‌گیری روابط اجتماعی، مشارکت اجتماعی، هنجارهای یاریگری و تبادل اطلاعات در زمینه‌های مختلف ورزشی در بین ورزشکاران می‌شود. شکل‌گیری سرمایه اجتماعی به دلیل دربرداشتن روابط اجتماعی، مشارکت اجتماعی و هنجارهای یاریگری در زمینه‌های ورزشی و تبادل اطلاعات ورزشی، سطح دانش تغذیه‌ای ورزشکاران را تحت تأثیر قرار داده و موجب ارتقای سطح آن می‌شود. بنابراین، با افزایش میزان سرمایه اجتماعی ورزشکاران از طریق ایجاد گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی مختلف و عضویت ورزشکاران در آنها، می‌توان میزان سطح دانش تغذیه‌ای ورزشکاران را افزایش داد.



فصلنامه علمی - پژوهشی

۱۶۳

رابطه سرمایه اجتماعی و
دانش تغذیه‌ای ورزشکاران

۳. فرضیه‌های پژوهش

در این پژوهش رابطه سرمایه اجتماعی با دانش تغذیه‌ای ورزشکاران بررسی می‌شود. متغیر وابسته این پژوهش عبارت است از: دانش تغذیه‌ای و متغیر مستقل نیز عبارت است از: سرمایه اجتماعی (که با توجه به مبانی نظری شاخص‌های آن عبارت است از شبکه روابط اجتماعی، مشارکت اجتماعی و تبادل نظر). با توجه به مطالب بالا این پژوهش دارای دو فرضیه کلی و سه فرضیه جزئی است که همان شاخص‌های متغیرهای مستقل می‌باشند.

فرضیه‌های جزئی

۱. بین روابط اجتماعی و دانش تغذیه‌ای ورزشکاران رابطه معناداری وجود دارد؛ ۲. بین مشارکت اجتماعی و دانش تغذیه‌ای ورزشکاران رابطه معناداری وجود دارد؛ ۳. بین میزان تبادل نظر و دانش تغذیه‌ای ورزشکاران رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه‌های کلی

۱. بین سرمایه اجتماعی و دانش تغذیه‌ای ورزشکاران رابطه معناداری وجود دارد؛ ۲. بین متغیرهای جمعیت‌شناختی (وضعیت تأهل، دانشگاه، تحصیلات، سن و رشته ورزشی) و دانش تغذیه‌ای ورزشکاران تفاوت معناداری وجود دارد.

۴. تعریف نظری و عملیاتی

متغیر مستقل: سرمایه اجتماعی

از نظر بوردیو، سرمایه اجتماعی مجموعه منابعی است که به افراد و گروه‌ها این توانایی را می‌دهد تا شبکه پایداری از روابط کم و بیش نهادینه شده آشنایی و شناخت متقابل را در اختیار داشته باشند (فیلد، ۱۳۸۸: ۳۱). شاخص و ملاکی که بوردیو برای سنجش و اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی در نظر می‌گیرد عضویت افراد در گروه‌های اجتماعی (از جمله کلوپ‌ها) است. بنا بر این ایجاد و اثربخشی سرمایه اجتماعی به عضویت در یک گروه اجتماعی بستگی دارد که اعضای آن، مرزهای گروه را از طریق مبادله اشیاء و نهادها بنیان نهاده‌اند (فیلد، ۱۳۸۸: ۳۰). سرمایه اجتماعی براساس مطالعات تجربی خارجی و داخلی و منابع موجود به صورت روابط اجتماعی، مشارکت اجتماعی و تبادل نظر شاخص‌سازی و عملیاتی شده است (استون^۱، ۲۰۰۱، نارایان^۲ و دیگران، ۲۰۰۴، روستون و اکینرودوی^۳، ۲۰۰۲، ارشادی، ۱۳۸۸، حسین‌پور، ۱۳۸۸).

متغیر وابسته: دانش تغذیه‌ای

مجموعه دانستنی‌ها در مورد غذاهایی که یک موجود زنده به آنها نیاز دارد، طرز تهیه و استفاده از این غذاها و روشی که برای دفع مواد زائد حاصل از آنها بکار گرفته می‌شود دانش تغذیه را تشکیل می‌دهد (فریدمن و الوارز^۴، ۲۰۱۰: ۴۴۷). دانش تغذیه‌ای براساس مطالعات تجربی خارجی و داخلی و منابع موجود به صورت شناخت میزان قند، چربی، نشاسته، پروتئین، فیبر و کالری در مواد غذایی روزانه، شاخص‌سازی و عملیاتی شده است.

۵. روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نظر شرایط کنترل و به لحاظ محتوی کاری از نوع پیمایشی است. این پژوهش از نظر بُعد زمانی از نوع مقطعی، از نظر هدف از نوع کاربردی و از نظر دامنه از نوع خرد است، زیرا واحد تحلیل فرد (ورزشکاران) است. در این پژوهش برای سنجش متغیر وابسته (دانش تغذیه‌ای) از ابزار پرسشنامه استاندارد «پارامتر و واردل^۵» و برای سنجش متغیر مستقل (سرمایه



1. Stone
2. Narayan
3. Ruston & Akinrodoye
4. Freedman & Alvarez
5. Parmenter & Wardle

اجتماعی) از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. لازم به ذکر است که دو متغیر اصلی پژوهش در یک پرسشنامه واحد مورد سنجش قرار گرفته‌اند. جامعه آماری پژوهش نیز عبارت است از همه ورزشکاران شرکت‌کننده در المپیاد ورزشی سال ۱۳۹۳ که با میزبانی دانشگاه شهید بهشتی برگزار شد. آمار کل این ورزشکاران ۲۳۰۰ نفر بود. برای برآورد حجم نمونه از جدول مورگان (که ۳۱۰ نفر برآورد شد) و برای انتخاب نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبی استفاده گردید، زیرا نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبی از یک سو، احتمال معرفی بودن نمونه را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر، هیچ‌گونه انحرافی از اصل تصادفی بودن ندارد، این به آن معنا است که قبل از هرگونه انتخابی، جامعه آماری به طبقه‌های مختلف تقسیم شده سپس، نمونه به صورت تصادفی از طبقه انتخاب می‌شود (دلاور، ۱۳۸۵: ۹۶-۹۵). بر همین اساس در پژوهش حاضر برای انتخاب نمونه، ورزشکاران برحسب رشته ورزشی دسته‌بندی شده و سپس تعداد متناسبی از آن‌ها در هر رشته ورزشی انتخاب شدند.

در این پژوهش برای تعیین اعتبار ابزار اندازه‌گیری از اعتبار صوری استفاده شده است. برای این منظور پرسشنامه پس از آزمون مقدماتی اولیه و اصلاحات انجام شده در اختیار جمعی از اساتید و محققان تربیت بدنی و علوم اجتماعی قرار گرفت که دارای دانش نظری و تحقیقاتی در زمینه مربوطه بودند. از آنجا که غالباً طرح سؤالات یکسان از پاسخگویان در دو مقطع زمانی امکان پذیر نیست، برای تعیین پایایی این تحقیق از روش آلفای کرونباخ استفاده گردید، زیرا این روش سازگاری درونی سؤالات پرسشنامه را مورد بررسی قرار می‌دهد. برای سنجش پایایی ابزار گردآوری داده‌ها در مرحله اول پیش‌آزمون به عمل آمد. پرسشنامه اولیه در میان ۴۰ نفر ورزشکار توزیع شد و پس از گردآوری داده‌ها با استفاده از نرم افزار اس. پی. اس. آلفای کرونباخ محاسبه شد.

جدول ۱. ضرایب پایایی

نام متغیر	تعداد گویه‌ها	تعداد مشاهدات	ضریب آلفای کرونباخ	وضعیت پایایی
سرمایه اجتماعی	۲۱	۴۰	۰/۷۴	تأیید
دانش تغذیه‌ای	۸	۴۰	۰/۷۸	تأیید



۱-۵. شرکت‌کنندگان

ویژگی‌های جمعیت شناختی ورزشکاران در نمونه مورد بررسی حاکی از آن است که به لحاظ تأهل، ۸۸/۸ درصد از پاسخگویان مجرد و ۱۱/۲ درصد متأهل هستند. از نظر تحصیلات نیز، ۱۰/۵ درصد پاسخگویان در مقطع کاردانی، ۶۲/۷ درصد در مقطع کارشناسی، ۲۳/۲ درصد در مقطع کارشناسی ارشد و ۳/۵ درصد نیز در مقطع دکتری تحصیل می‌کنند. به لحاظ رشته ورزشی نیز ۲۰/۸ درصد در رشته ورزشی فوتبال، ۱۲/۵ درصد در رشته ورزشی بسکتبال، ۱۴/۷ درصد در رشته ورزشی دو و میدانی، ۱۸/۲ درصد در رشته ورزشی کشتی، ۶/۷ درصد در رشته ورزشی پینگ‌پنگ، ۵/۸ درصد در رشته ورزشی بدمینتون، ۶/۷ درصد در رشته ورزشی شنا و ۱۴/۷ درصد در رشته ورزشی والیبال فعالیت می‌کنند.

جدول ۲. فراوانی متغیرهای زمینه‌ای

نام متغیر	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
تأهل	مجرد	۳۵	۱۱/۲
	متأهل	۲۷۶	۸۸/۸
مقطع تحصیلی	کاردانی	۳۱	۱۰/۵
	کارشناسی	۱۹۲	۶۲/۷
	کارشناسی ارشد	۷۴	۲۳/۲
	دکتری	۱۱	۳/۵
	فوتبال	۶۵	۲۰/۸
	بسکتبال	۳۹	۱۲/۵
رشته ورزشی	دو میدانی	۴۶	۱۴/۷
	کشتی	۵۷	۱۸/۲
	پینگ‌پنگ	۲۱	۶/۷
	بدمینتون	۱۸	۵/۸
	شنا	۲۱	۶/۷
	والیبال	۴۶	۱۴/۷

بر اساس دانشگاه محل تحصیل نیز نتایج بیانگر آن است که ۳/۸ درصد ورزشکاران در دانشگاه تهران، ۲۳/۷ درصد در دانشگاه شهید بهشتی، ۱/۶ درصد در دانشگاه تربیت



مُدّرس، ۰/۶ درصد در دانشگاه فردوسی مشهد، ۴/۵ درصد در دانشگاه اصفهان، ۸/۷ درصد در دانشگاه شیراز، ۸/۷ درصد در دانشگاه تبریز، ۱/۳ درصد در دانشگاه صنعتی شریف، ۹ درصد در دانشگاه مازندارن، ۱ درصد در دانشگاه کاشان، ۳/۲ درصد در دانشگاه سمنان، ۱/۳ درصد در دانشگاه یزد، ۳/۲ درصد در دانشگاه خوارزمی، ۶/۱ درصد در دانشگاه کرمان، ۳/۸ درصد در دانشگاه لرستان، ۱/۶ درصد در دانشگاه قم، ۰/۶ درصد در دانشگاه گُردستان، ۲/۹ درصد در دانشگاه علمی کاربردی، ۰/۳ درصد در دانشگاه اردبیل، ۰/۶ درصد در دانشگاه کرمانشاه، ۱ درصد در دانشگاه تربیت معلم کرج، ۱ درصد در دانشگاه تربیت دبیر رجایی، ۳/۵ درصد در دانشگاه سیستان، ۱/۹ درصد در دانشگاه شهرگُرد، ۰/۳ درصد در دانشگاه امام حسین، ۱/۹ درصد در دانشگاه علم و صنعت، ۰/۳ درصد در دانشگاه گلستان، ۳/۲ درصد در دانشگاه گیلان، ۰/۳ درصد در دانشگاه زنجان و ۰/۳ درصد ورزشکاران در دانشگاه پیام نور تحصیل می‌کنند. به لحاظ سن، دامنه سنی جمعیت نمونه بین ۱۸ تا ۴۳ سال قرار دارد که بیشترین افراد در گروه سنی ۲۳ سال قرار دارند. همچنین مطابق با نتایج جدول فراوانی، میانگین سنی پاسخگویان ۲۳/۸ می‌باشد و به لحاظ قد نیز، دامنه قد ورزشکاران بین ۱۵۵ تا ۲۰۳ سانتیمتر قرار دارد که بیشترین افراد قد ۱۸۰ سانتیمتر دارند. همچنین مطابق با نتایج به دست آمده میانگین قد ورزشکاران ۱۸۰/۳۶ است. به لحاظ وزن نیز، دامنه وزن ورزشکاران بین ۵۵ تا ۱۲۰ کیلوگرم قرار دارد که بیشترین افراد دارای وزن ۶۵ کیلوگرم و میانگین وزن ورزشکاران ۷۴/۶ است.

۶. یافته‌های پژوهش

۱-۶. تحلیل توصیفی

توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب دانش تغذیه‌ای بیانگر آن است که در ۵۰/۳ درصد از ورزشکاران بررسی شده دانش تغذیه‌ای در سطح پایین و ۴۹/۷ درصد در سطح متوسط هستند. نکته قابل توجه آن است که هیچ کدام از ورزشکاران، دانش تغذیه‌ای بالایی ندارند. نهایت توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد که در ۳/۲ درصد از ورزشکاران بررسی شده، سرمایه اجتماعی در سطح پایین، ۶۷/۸ درصد در سطح متوسط و در ۲۹ درصد از ورزشکاران سرمایه اجتماعی در سطح بالایی قرار دارند.



جدول ۳. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب دانش تغذیه‌ای و سرمایه اجتماعی

متغیر	سطوح	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی تجمعی
دانش تغذیه‌ای	ضعیف	۱۵۸	۵۰/۳	۵۰/۳
	متوسط	۱۵۶	۴۹/۷	۱۰۰
	زیاد	۰	۰	۱۰۰/۰
سرمایه اجتماعی	ضعیف	۱۰	۳/۲	۳/۲
	متوسط	۲۱۳	۶۷/۸	۷۱
	زیاد	۹۱	۲۹	۱۰۰

۲-۶. تحلیل استنباطی

آزمون مقایسه میانگین متغیر وابسته دانش تغذیه‌ای بر حسب وضعیت تأهل

هدف از این آزمون، مقایسه میانگین متغیر دانش تغذیه‌ای در سطوح مختلف وضعیت تأهل است. با توجه به سطح سنجش متغیرهای مستقل (تأهل) و وابسته (دانش تغذیه‌ای) و عدم نرمال بودن توزیع داده‌ها در سطوح سنجش متغیر مستقل، از آزمون ناپارامتریک یومن ویتنی به منظور آزمون این فرضیه استفاده شد. نتایج این آزمون بیانگر آن است که میانگین نمره دانش تغذیه‌ای ورزشکاران مجرد برابر با ۱۵۴ و میانگین دانش تغذیه‌ای ورزشکاران متأهل برابر با ۱۶۹ است. با این نتیجه مشخص شد که در نمونه آماری میانگین این دو گروه با همدیگر متفاوت است. سطح معناداری این آزمون نیز برابر با ۰/۳۵۱ است که بیشتر از ۰/۰۰۵ بوده و نشان می‌دهد که نتیجه به دست آمده معنادار و قابل تعمیم به جامعه آماری نیست. بنابراین، طبق نتایج این آزمون تفاوت معناداری بین دو گروه مجرد و متأهل به لحاظ میزان دانش تغذیه‌ای وجود ندارد و این نتیجه قابل تعمیم به جامعه آماری نیست. بنابراین این فرضیه (مبنی بر وجود تفاوت معنادار بین میانگین دانش تغذیه‌ای ورزشکاران مجرد و متأهل) تأیید نمی‌شود.

جدول ۴. نتایج میانگین دانش تغذیه‌ای بر حسب وضعیت تأهل

وضعیت	تعداد	میانگین	آماره یومن ویتنی	سطح معناداری
مجرد	۲۷۶	۱۵۴		
متأهل	۳۵	۱۶۹	۴/۳۶۶	۰/۳۵۱
مجموع	۳۱۲	-		



آزمون مقایسه میانگین متغیر وابسته دانش تغذیه‌ای بر حسب دانشگاه

هدف از بررسی مقایسه دانشگاه محل تحصیل ورزشکاران با دانش تغذیه‌ای، مقایسه میانگین متغیر وابسته در سطوح مختلف دانشگاه محل تحصیل است. با توجه به سطح سنجش متغیرها و نرمال نبودن توزیع داده‌ها از آزمون ناپارامتریک کروسکال-والیس جهت آزمون این فرضیه استفاده شد. نتایج این آزمون نشان داد که سطح معناداری این آزمون برابر با $0/609$ می‌باشد که بیشتر از $0/05$ است. این سطح معناداری اعلام می‌دارد که میانگین نمره دانش تغذیه‌ای ورزشکاران در دانشگاه‌های مختلف، یکسان بوده و تفاوت معناداری بین میانگین دانش تغذیه‌ای ورزشکاران در دانشگاه‌های مختلف وجود ندارد. در نتیجه، فرضیه این آزمون مبتنی بر وجود تفاوت معنادار بین میانگین دانش تغذیه‌ای ورزشکاران در دانشگاه‌های مختلف، تأیید نمی‌شود.

جدول ۵. نتایج میانگین دانش تغذیه‌ای بر حسب متغیر دانشگاه

متغیر	آماره کروسکال-والیس	درجه آزادی	سطح معناداری
دانشگاه	۲۷/۲۷۴	۳۰	۰/۶۰۹

بررسی رابطه متغیر مقطع تحصیلی با متغیر وابسته دانش تغذیه‌ای

نتایج آزمون همبستگی اسپیرمن بین این دو متغیر گویای آن است که میزان همبستگی متغیر مستقل مقطع تحصیلی با میزان دانش تغذیه‌ای ورزشکاران برابر با $0/070$ است. این نتیجه نشان دهنده وجود همبستگی مستقیم بین مقطع تحصیلی و دانش تغذیه‌ای است. به عبارت دیگر، بر اساس نتایج این آزمون با افزایش مقطع تحصیلی میزان دانش تغذیه‌ای ورزشکاران نیز افزایش می‌یابد. البته لازم به ذکر است که میزان همبستگی بین این دو متغیر خیلی ضعیف می‌باشد. نتایج سطح معناداری نیز نشان می‌دهد که سطح معناداری این آزمون برابر با $0/219$ می‌باشد که بیشتر از $0/05$ می‌باشد. چنین نتیجه‌ای بیانگر آن است که نتایج آزمون همبستگی بین دو متغیر مقطع تحصیلی و دانش تغذیه‌ای ورزشکاران معنادار نیست و نمی‌توان این نتیجه را به جامعه آماری تعمیم داد. بنابراین این فرضیه تأیید نمی‌شود.

جدول ۶. نتایج آزمون همبستگی مقطع تحصیلی و دانش تغذیه‌ای

نتیجه	همبستگی اسپیرمن		متغیر وابسته	متغیر مستقل
	مقدار	سطح معناداری		
تأیید نشدن رابطه	۰/۰۷۰	۰/۲۱۹	دانش تغذیه‌ای	مقطع تحصیلی



بررسی رابطه متغیر سن با متغیر وابسته دانش تغذیه‌ای

نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین این دو متغیر حاکی از آن است که میزان همبستگی متغیر مستقل سن با دانش تغذیه‌ای ورزشکاران برابر با ۰/۰۵۵ است. این نتیجه بیانگر وجود همبستگی مثبت بین سن و دانش تغذیه‌ای است. بنابراین طبق نتایج آزمون با افزایش سن میزان دانش تغذیه‌ای ورزشکاران نیز بهبود می‌یابد. البته میزان همبستگی بین این دو متغیر خیلی ضعیف است. نتایج سطح معناداری نیز نشان می‌دهد که سطح معناداری این آزمون برابر با ۰/۳۳۳ می‌باشد که بیشتر از ۰/۰۵ است. چنین نتیجه‌ای نشان می‌دهد که نتایج آزمون همبستگی بین دو متغیر سن و دانش تغذیه‌ای ورزشکاران معنادار نیست و نمی‌توان با اطمینان ۹۵ درصد این نتیجه را به جامعه آماری تعمیم داد. بنابراین این فرضیه نیز تأیید نمی‌شود.

جدول ۷. نتایج آزمون همبستگی سن و دانش تغذیه‌ای

نتیجه	همبستگی پیرسون		متغیر وابسته	متغیر مستقل
	سطح معناداری	مقدار		
عدم تأیید رابطه	۰/۳۳۳	۰/۰۵۵	دانش تغذیه‌ای	سن



آزمون مقایسه میانگین دانش تغذیه‌ای بر حسب رشته ورزشی

برای آزمودن این فرضیه از آزمون ناپارامتریک کروسکال - والیس استفاده شد. نتایج این آزمون بیانگر آن است که میانگین نمره دانش تغذیه‌ای ورزشکاران با هم دیگر متفاوت است. به طوری که میانگین دانش تغذیه‌ای ورزشکاران در رشته ورزشی فوتبال برابر با ۱۴۳/۴۳، در رشته بسکتبال برابر با ۱۶۰/۱۵، در رشته دو و میدانی برابر با ۱۵۳/۸۲، در رشته کشتی برابر با ۱۵۳/۳۹، در رشته پینگ پنگ برابر با ۱۷۱/۲۶، در رشته بدمینتون برابر با ۱۵۰/۹۴، در رشته شنا برابر با ۱۹۰/۵۷ و در رشته والیبال برابر با ۱۶۱/۷۱ است. بر این اساس، نمونه آماری میانگین دانش تغذیه‌ای ورزشکاران در رشته‌های ورزشی مختلف، متفاوت، اما سطح معناداری این آزمون برابر با ۰/۶۱۸ می‌باشد که بیشتر از ۰/۰۰۵ است. این سطح معناداری نشان می‌دهد که این نتیجه قابل تعمیم به جامعه آماری نیست. بنابراین تفاوت معناداری بین ورزشکاران رشته‌های ورزشی مختلف در زمینه دانش تغذیه‌ای وجود ندارد. در نتیجه این فرضیه (مبنی بر وجود تفاوت معنادار بین میانگین دانش تغذیه‌ای ورزشکاران در رشته‌های ورزشی مختلف) تأیید نمی‌شود.

جدول ۸. نتایج میانگین دانش تغذیه‌ای برحسب متغیر رشته ورزشی

رشته ورزشی	میانگین	آماره کروسکال-والیس	سطح معناداری
فوتبال	۱۴۳/۴۳		
بسکتبال	۱۶۰/۱۵		
دوومیدانی	۱۵۳/۸۲		
کشتی	۱۵۳/۳۹	۵/۳۴۴	۰/۶۱۸
پینگ پنگ	۱۷۱/۲۶		
بدمینتون	۱۵۰/۹۴		
شنا	۱۹۰/۵۷		
والیبال	۱۶۱/۷۱		

۳-۶. آزمون فرضیه‌ها

ارزیابی فرضیه‌های پژوهش مهم‌ترین بخش فرآیند تحقیق است. این تحقیق شامل یک فرضیه کلی (اصلی) است^۱ که در مورد رابطه دو متغیر مستقل سرمایه اجتماعی با متغیر وابسته دانش تغذیه‌ای است، اما چون متغیر سرمایه اجتماعی دارای سه شاخص می‌باشد سه فرضیه جزئی نیز تدوین شده است. در این بخش برای نتیجه‌گیری بهتر، فرضیه‌ها در دو بخش مجزا، تحت عناوین فرضیه‌های جزئی و کلی بررسی شده‌اند.

۱-۳-۶. آزمون فرضیه‌های جزئی

فرضیات جزئی پژوهش در مورد رابطه بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و متغیر دانش تغذیه‌ای است. در ساخت هر کدام از متغیرهای فوق از جمع‌بندی پاسخ به سؤالات دارای طیف لیکرت استفاده شده است. لذا این متغیرها را می‌توان دارای مقیاس اندازه‌گیری فاصله‌ای دانست (ساعی، ۱۳۸۷: ۸۸)^۲. بنابراین، برای ارزیابی رابطه‌ها و تأثیرات آنها می‌توانیم از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی ساده استفاده نماییم.

فرضیه اول پژوهش در مورد رابطه روابط اجتماعی و دانش تغذیه‌ای است. نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین این دو متغیر حاکی از آن است که میزان همبستگی متغیر مستقل روابط اجتماعی با میزان دانش تغذیه‌ای ورزشکاران برابر با ۰/۲۳۹ است. این نتیجه نشان می‌دهد

۱. البته یکی دیگر از فرضیه‌های کلی، متغیرهای جمعیت‌شناختی می‌باشند که در بخش‌های قبلی به کمک آزمون‌های ناپارامتریک و همبستگی پیرسون مورد آزمون قرار گرفت.

۲. از طریق محاسبه مجموع نمره‌ها، متغیر ترتیبی ویژگی یک متغیر فاصله‌ای را پیدا می‌کند (ساعی، ۱۳۸۷: ۸۸).





بین روابط اجتماعی و دانش تغذیه‌ای ورزشکاران همبستگی مثبت (مستقیم) وجود دارد. نتایج سطح معناداری نیز نشان می‌دهد که سطح معناداری این آزمون کمتر از $0/05$ و برابر با $0/000$ می‌باشد. چنین نتیجه‌ای مشخص می‌کند که نتایج آزمون همبستگی بین دو متغیر شبکه روابط اجتماعی و دانش تغذیه‌ای ورزشکاران معنادار است و می‌توان با اطمینان ۹۵ درصد این نتیجه را به جامعه آماری تعمیم داد. بنابراین، این فرضیه تأیید می‌شود.

فرضیه دوم پژوهش در مورد رابطه مشارکت اجتماعی و دانش تغذیه‌ای است. نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین این دو متغیر حاکی از آن است که میزان همبستگی متغیر مستقل مشارکت اجتماعی با میزان دانش تغذیه‌ای ورزشکاران برابر با $0/195$ است. این نتیجه بیانگر وجود همبستگی مثبت (مستقیم) بین مشارکت اجتماعی و دانش تغذیه‌ای ورزشکاران است. نتایج سطح معناداری نیز نشان می‌دهد که سطح معناداری این آزمون برابر با $0/001$ می‌باشد که کمتر از $0/05$ است. چنین نتیجه‌ای بیانگر آن است که نتایج آزمون همبستگی بین دو متغیر مشارکت اجتماعی و دانش تغذیه‌ای ورزشکاران معنادار است و می‌توان با اطمینان ۹۵ درصد این نتیجه را به جامعه آماری تعمیم داد. بنا بر این این فرضیه نیز تأیید می‌شود.

فرضیه سوم پژوهش در مورد رابطه میزان تبادل نظر و دانش تغذیه‌ای ورزشکاران است. نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین این دو متغیر حاکی از آن است که میزان همبستگی متغیر تبادل نظر با میزان دانش تغذیه‌ای ورزشکاران برابر با $0/273$ است. با این نتیجه وجود همبستگی مثبت (مستقیم) بین میزان تبادل نظر و دانش تغذیه‌ای ورزشکاران اثبات می‌شود. نتایج سطح معناداری نیز نشان می‌دهد که سطح معناداری این آزمون برابر با $0/000$ می‌باشد که کمتر از $0/05$ است. چنین نتیجه‌ای بیانگر آن است که نتایج آزمون همبستگی بین دو متغیر میزان تبادل نظر و دانش تغذیه‌ای ورزشکاران معنادار است و می‌توان با اطمینان ۹۵ درصد این نتیجه را به جامعه آماری تعمیم داد. بنابراین، این فرضیه تأیید می‌شود.

جدول ۹. ضریب همبستگی سرمایه اجتماعی و دانش تغذیه‌ای

نتیجه ارزیابی	ضریب همبستگی پیرسون		متغیرها	
	سطح معناداری	مقدار	متغیر وابسته	متغیر مستقل
تأیید رابطه	$0/000$	$0/239$	دانش تغذیه‌ای	روابط اجتماعی
تأیید رابطه	$0/001$	$0/195$	دانش تغذیه‌ای	مشارکت اجتماعی
تأیید رابطه	$0/000$	$0/273$	دانش تغذیه‌ای	تبادل نظر

۲-۳-۶. آزمون فرضیه کلی

فرضیه این پژوهش این است که بین سرمایه اجتماعی ورزشکاران و دانش تغذیه‌ای آنان رابطه مستقیم وجود دارد (هراندازه سرمایه اجتماعی ورزشکاران بیشتر / کمتر باشد، دانش تغذیه‌ای آنان بیشتر / کمتر است). نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین این دو متغیر حاکی از آن است که میزان همبستگی متغیر مستقل سرمایه اجتماعی با میزان دانش تغذیه‌ای ورزشکاران برابر با ۰/۲۵۵ می‌باشد. این نتیجه بیانگر وجود همبستگی مثبت (مستقیم) بین سرمایه اجتماعی و دانش تغذیه‌ای ورزشکاران است. به عبارت دیگر، نتایج آزمون حاکی از آن است که با افزایش میزان سرمایه اجتماعی ورزشکاران، میزان دانش تغذیه‌ای آنها نیز افزایش می‌یابد. نتایج سطح معناداری نیز نشان می‌دهد که سطح معناداری این آزمون برابر با ۰/۰۰۱ می‌باشد که کمتر از ۰/۰۵ است. چنین نتیجه‌ای بیانگر آن است که نتایج آزمون همبستگی بین دو متغیر سرمایه اجتماعی و دانش تغذیه‌ای ورزشکاران معنادار است و می‌توان با اطمینان ۹۵ درصد این نتیجه را به جامعه آماری تعمیم داد. بنابراین، این فرضیه تأیید می‌شود.



جدول ۱۰. نتایج آزمون همبستگی سرمایه اجتماعی و دانش تغذیه‌ای

نتیجه ارزیابی فرضیه	همبستگی پیرسون		متغیر وابسته	متغیر مستقل
	سطح معناداری	مقدار		
تأیید رابطه	۰/۰۰۱	۰/۲۵۵	دانش تغذیه‌ای	سرمایه اجتماعی

۴-۶. آزمون اثر متغیر سرمایه اجتماعی بر متغیر دانش تغذیه‌ای

برای بررسی اثر متغیر مستقل بر متغیر وابسته از آزمون تحلیل رگرسیون استفاده می‌شود. در این قسمت سعی می‌شود با استفاده از این آزمون اثر متغیر مستقل را مورد ارزیابی قرار دهیم. نتایج آزمون رگرسیون خطی ساده بیانگر آن است که متغیر مستقل سرمایه اجتماعی به تنهایی حدود ۵ درصد از تغییرات دانش تغذیه‌ای ورزشکاران را تبیین می‌کند. به عبارت دیگر، حدود ۵ درصد از اطلاعات دانش تغذیه‌ای ورزشکاران در سرمایه اجتماعی آنها نهفته است.

جدول ۱۱. نتایج رگرسیون خطی ساده

متغیر مستقل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین (R^2)	ضریب تعیین استاندارد (R^2)
سرمایه اجتماعی	۰/۲۵۵	۰/۰۵۱	۰/۰۵۰

نتیجه‌گیری

اگرچه دستیابی به موفقیت در عرصه‌های ورزشی مستلزم فعالیت و تمرینات مستمر است، اما انجام این تمرینات حتی در بهترین حالت آن، به تنهایی نمی‌تواند زمینه موفقیت ورزشکاران را فراهم آورد، زیرا تحقق این مهم نیازمند وجود عواملی دیگر است که یکی از مهم‌ترین آنها، دانش تغذیه‌ای مناسب ورزشکاران است. متأسفانه یکی از مهم‌ترین معضلاتی که امروزه در جامعه ما در زمینه ورزش وجود دارد، دانش تغذیه‌ای نامناسب و ضعیف است. عده کثیری از ورزشکاران در معرض مشکلات ناشی از تغذیه قرار دارند و این مسئله تبعات جبران‌ناپذیری را برای جامعه ورزشی کشور به همراه داشته است. جای هیچ‌گونه تردیدی نیست که با توسعه و بهبود دانش تغذیه‌ای می‌توان در توسعه ورزش جامعه گام‌های مؤثری برداشت.

نتایج پژوهش حاضر بیانگر آن است که میزان دانش تغذیه‌ای ورزشکاران در سطح پایینی قرار دارد، یعنی ورزشکاران ما به دانش تغذیه‌ای خود اهمیت نمی‌دهند. در صورتی که افزایش دانش تغذیه‌ای مناسب بر رشد جسمی و فعالیت‌های ورزشی ورزشکاران تأثیر به‌سزایی دارد، به طوری که موفقیت ورزشی ورزشکاران در عرصه‌های مختلف ورزشی به دانش تغذیه‌ای مناسب آنها بستگی دارد. چنین نتیجه‌ای برای ورزش جامعه ما از اهمیت شایانی برخوردار است، زیرا به برنامه‌ریزان ورزشی کمک می‌کند تا برنامه‌هایی در راستای افزایش و بهبود دانش تغذیه‌ای تدوین نمایند. همچنین این نتیجه بیانگر آن است که دانش تغذیه‌ای نامناسب یکی از عوامل بازدارنده در موفقیت ورزشی ورزشکاران ایرانی است اگرچه مهارت ورزشی آنها در سطح بالایی باشد.

یکی دیگر از نتایج مهم پژوهش حاضر آن است که سرمایه اجتماعی ورزشکاران با دانش تغذیه‌ای آنها رابطه‌ای مستقیم دارد. یعنی با افزایش سرمایه اجتماعی ورزشکاران، میزان دانش تغذیه‌ای آنها نیز افزایش می‌یابد. این بدان معناست که عضویت ورزشکاران در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی ورزشی سبب شکل‌گیری روابط اجتماعی، مشارکت اجتماعی، هنجارهای یاریگری و تبادل اطلاعات در زمینه‌های مختلف ورزشی در بین ورزشکاران شده و زمینه شکل‌گیری سرمایه اجتماعی آنها را فراهم می‌آورد. شکل‌گیری سرمایه اجتماعی به دلیل دربرداشتن روابط اجتماعی، مشارکت اجتماعی و هنجارهای یاریگری در زمینه‌های ورزشی و تبادل اطلاعات ورزشی، سطح دانش تغذیه‌ای ورزشکاران را تحت تأثیر قرار داده و موجب ارتقای سطح آن می‌شود. بنابراین، با افزایش میزان سطح سرمایه اجتماعی ورزشکاران از طریق ایجاد گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی مختلف و عضویت ورزشکاران در این گروه‌ها، میزان سطح دانش تغذیه‌ای ورزشکاران نیز



افزایش می‌یابد. این نتیجه به لحاظ نظری مؤید نظریه بوردیواست که ایجاد و اثربخشی سرمایه اجتماعی را بستگی به عضویت افراد در یک گروه اجتماعی می‌داند (فیلد، ۱۳۸۸: ۳۰) و سرمایه اجتماعی، به مثابه یکی از اشکال جدید سرمایه، دسترسی به فرصت‌ها، اطلاعات و موقعیت‌های اجتماعی را برای افراد افزایش می‌دهد و دستیابی به اهداف و منافع فردی را تسهیل می‌سازد (بورديو، ۱۹۸۶: ۴۹). به لحاظ تجربی نیز، نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش‌های امیرساسان و همکاران (۱۳۹۲) هم‌سوی باشد که حاکی از آن است دانش تغذیه‌ای ورزشکاران داخلی در سطح پایینی قرار دارد و همچنین با نتایج پژوهش‌های ایمان و بنی فاطمه (۱۳۹۳)، شارع‌پور و حسینی‌راد (۱۳۸۷)، پارسامهر و ترکان (۱۳۹۱) و ابوالقاسمی و همکاران (۱۳۹۰) نیز هم‌سواست؛ مبنی بر این که سرمایه اجتماعی دستیابی به اهداف را برای اعضای شبکه تسهیل می‌کند.

مزیت مهم این نتیجه آن است که برای بهبود دانش تغذیه‌ای ورزشکاران نیازی به بودجه‌های کلان نیست، بلکه با سرمایه‌گذاری اندک و برنامه‌ریزی مناسب در راستای افزایش سرمایه اجتماعی ورزشکاران، از طریق ایجاد گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی مختلف و متعدد، می‌توان دانش تغذیه‌ای آنها را بهبود بخشید و در عرصه ورزشی به موفقیت‌های بالایی دست یافت و به دغدغه ورزشکاران و مربیان در زمینه دستیابی به راه‌حلی برای افزایش دانش تغذیه‌ای ورزشکاران پاسخ داد. نتیجه این پژوهش بدان سبب دارای اهمیت است که در جامعه امروزی ما تعداد ورزشکاران در عرصه‌های مختلف افزایش یافته است و مربیان ورزشی برای دستیابی به موفقیت ورزشی این ورزشکاران سرمایه‌گذاری‌های هنگفتی انجام می‌دهند، ولی به دلیل نبود دانش مناسب تغذیه‌ای، تلاش و کوشش این ورزشکاران اغلب اوقات با شکست مواجه می‌شود. با توجه به نتایج این پژوهش، مربیان ورزشی می‌توانند با افزایش سرمایه اجتماعی ورزشکاران، دانش تغذیه‌ای آنها را ارتقا بخشند و زمینه‌های موفقیت ورزشی آنها را مساعد نمایند. به عبارت دیگر، مربیان ورزشی بایستی شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر اعتماد، ارتباطات، تبادل نظر و مشارکت اجتماعی را بین ورزشکاران به وجود آورند تا سرمایه اجتماعی در بین ورزشکاران شکل بگیرد و به مثابه منبعی تسهیل‌کننده و کارکردی، ورزشکاران را به منظور دستیابی به اهداف خود و گروه ورزشی یاری دهد.



منابع

ابوالقاسمی، عباس؛ مرادی، سروش؛ نریمانی، محمد؛ و زاهد، عادل (۱۳۹۰). رابطه ابتکار شخصی، جهت‌گیری مذهبی و سرمایه اجتماعی سازمانی با دانش شغلی کارکنان مراکز تولیدی. دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، ۱۲(۱)، ۸۶-۹۴.

ارشادی، فاطمه (۱۳۸۸). بررسی رابطه میزان برخورداری از سرمایه اجتماعی و رضایت شغلی دبیران زن دبیرستان‌های شبستر (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه تهران.

امیراسان، رامین؛ جعفری، افشار؛ پوررضی، حسن (۱۳۹۲). بررسی آگاهی، نگرش و عملکرد تغذیه‌ای و عوامل مؤثر بر آن در ورزشکاران نخبه استان آذربایجان شرقی. فیزیولوژی ورزش و فعالیت بدنی، ۱۰، ۸۸۵-۹۰۳.

ایمان، محمدتقی؛ و بنی فاطمه، زهراسادات (۱۳۹۳). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی بانوان جوان و مشارکت آنان در فعالیت‌های ورزشی در شهر یزد. علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر، ۸(۲)، ۵۰-۲۵.

آذربایجانی، محمدعلی؛ همایی، حسن؛ و شوقیان، پندار (۱۳۹۰). ارزیابی نگرش و دانش تغذیه‌ای عمومی و اختصاصی قهرمانان دوی استقامت لیگ برتر ایران (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشکده تربیت بدنی، دانشگاه شهید بهشتی.

پاتنام، رابرت دی. (۱۳۷۹). دموکراسی و سنت‌های مدنی: سرمایه اجتماعی و سنت‌های مدنی در ایتالیا. مدرن (ترجمه: محمدتقی دلفروز). تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور.

پارسامهر، مهربان؛ ترکان، رحمت‌الله (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت در فعالیت‌های ورزشی. پژوهش پرستاری، ۲۶، ۷۹-۶۹.

تاجبخش، کیان (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی اعتماد، دموکراسی و توسعه (ترجمه: افشین خاکباز و حسن پویان). تهران: نشر شیرازه.

توسلی، غلامعباس؛ موسوی، مرضیه (۱۳۸۴). مفهوم سرمایه اجتماعی در نظریه‌های کلاسیک و جدید با تأکید بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی. نامه علوم اجتماعی، ۲۶، ۳۲-۱.

حسین‌پور، نسرین (۱۳۸۸). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و رفاه ذهنی در بین کارکنان وزارت رفاه و تأمین اجتماعی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

دلاور، علی (۱۳۸۵). روش تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی. تهران: نشر ویرایش.

رحمانی فیروزجاه، علی؛ شایخ‌پور، محمود؛ و رضایی‌شاه، صدیقه (۱۳۹۰). سنجش تمایز سرمایه اجتماعی جوانان با محوریت مشارکت ورزشی: مطالعه موردی دانشجویان ورزشکار و غیرورزشکار دانشگاه مازندران. جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، ۲(۲)، ۳۷-۶۲.



فصلنامه علمی-پژوهشی

۱۷۶

دوره هشتم
شماره ۱
زمستان ۱۳۹۴

ساعی، علی (۱۳۸۷). روش تحقیق در علوم اجتماعی. تهران: سمت.

شارع‌پور، محمود؛ و حسینی‌راد، علی (۱۳۸۷). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و مشارکت ورزشی: مطالعه موردی شهروندان ۱۵-۲۹ ساله شهر بابل. مجله حرکت، ۳۷، ۱۵۳-۱۳۱.

عبداللهی، محمد؛ موسوی، میرطاهر (۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی در ایران، وضعیت موجود، دورنمای آینده و امکان شناسی‌گذار. رفاه اجتماعی، ۲۵، ۲۳۳-۱۹۵.

فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹). پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن (ترجمه: غلامعباس توسلی). تهران: جامعه ایران.

فیلد، جان (۱۳۸۸). سرمایه اجتماعی (ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رضوانی). تهران: نشر کویر.

کلمن، جیمز (۱۳۷۷). بنیاد نظریه‌های اجتماعی (ترجمه: منوچهر صبوری). تهران: نشرنی.

موترام، آر.ف (۱۳۸۷). تغذیه انسان (ترجمه: مهشید لطفی). تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی مرکز پزشکی ایران.

Bourdieu, P. (1986). The forms of capital. in Richardson, J. G. (Ed.) *Handbook of theory and research for sociology of education*. New York: Greenwood Press.

Cockburn, E. Fortune, A. Briggs, M., & Rumbold, P. (2014). Nutritional knowledge of UK coaches. *Nutrients*, 6(4): 1442-1453. doi: 10.3390/nu6041442.

Coleman, J. S. (1988). Social capital in the creation of human capital. *The American Journal of Sociology*, 94, S95-S120.

Freedman, M. R., & Alvarez, K. P. (2010). Early childhood feeding: Assessing knowledge, attitude and practices of multiethnic childcare providers. *Journal of the American Dietetic Association*, 110(3), 447-451. doi: 10.1016/j.jada.2009.11.018

Hamady, C., Gilis, J., Anderson, D., & Morgan, A. (2014). Nutrition knowledge and interest of collegiate athletes at a division I University. *Journal of Food and Nutrition*, 1, 1-7.

Harper, R. (2001). *Social capital: A review of the literature*. London: Office for National Statistics October.

Hendrie, G.A., Coveney, J. & Cox, D. (2008). Exploring nutrition knowledge and the demographic variation in knowledge levels in an Australian community sample. *Public Health Nutrition*, 11(12): 1365-1371. doi: 10.1017/S1368980008003042

Holley, S. J. (2015). *Evaluation of sports Nutrition Knowledge between NCAA Student-Athletes across Divisions* (M. S. thesis). Kent State University College of Education.

Herreros, F. (2004). *The problem of forming social capital: Why trust?*. Palgrave Macmillan.

Lesser, E. L. (2004). *Leveraging social capital in organizations*. Butterworth-Heinemann.

Meyer, F., O'Connor, H., & Shirreffs, S. M. (2007). Nutrition for the young athlete. *Journal of Sports Sciences*, 25, S73-S82. doi: 10.1080/02640410701607338

Narayan, D., Nyhan, V., & Woolcock, M. (2004). *Measuring capital*. An Integrate, the world bank.



- Putnam, R. D. (2000). *Bowling alone: The collapse and revival of American community*. New York: Simon & Schuster.
- Ruston, D., Akinrodoye, L. (2002). *Social capital question bank*. Social Analysis and Reporting Division, UK National Statistics.
- Song, L., Son, J., Lin, N. (2010). *Social capital and civic action a network-based approach*. Department of Sociology, Duke University.
- Smite, S. S. (2005) don't put my name on it. (Dis)trust and job-finding assistance among the black urban poor. *American Journal of Sociology*, 111(1), 1-57.
- Sossin, K., Gizis, F., Marquart, L.F., Sobal, J. (1997). Nutrition beliefs, attitudes and resources of high school wrestling coaches. *International Journal of Sport Nutrition*, 7(3), 219-28.
- Stone, W. (2001). *Measuring social capital; towards a theoretically in formed measurement framework for researching social capital in family and community life*. Australian Institute of Family Studies.
- Stone, W., Gray, M., & Hugs, J. (2003). *Social capital at work*. Australian Institute of Family Studies.
- Woolcock, M., & Narayan, D. (1998). Social capital: implications for development theory, research and policy. *The World Bank Research Observer*. 15(2), 225-249. doi: 10.1093/wbro/15.2.225
- Ziersh, A. M., Baum, F. E., Macodougall, C., & Putland, C. (2005). Neighborhood life and social capital: the implication for health. *Social Science and Medicine*, 60(1),71-86. doi: 10.1016/j.socscimed.2004.04.027



An Investigation into the Relationship between Social Capital and the Nutritional Knowledge of Athletes

Fardin Mohammadi¹, Ali Maleki²

Received: Aug. 11, 2015; Accepted: Nov. 06, 2015

Abstract

Nowadays the concept of social capital is one of the most popular concepts in sociological studies. Some experts believe that social capital is among the most important factors with a significant part in individuals' success in achieving their goals. So, the main purpose of this study is to analyze the relationship between social capital and the nutritional knowledge of athletes. For this purpose, the theoretical framework and hypotheses of the research are set based on Pierre Bourdieu's theory. The statistical population of the research includes 2300 athletes in the 2014 Sports Championship held at Shahid Beheshti University; 310 persons were selected by means of Morgan's table and the stratified sampling method. The survey method and questionnaires were employed to collect the data. The findings of the research indicate that there is a positive and significant relationship between social capital and the nutritional knowledge of athletes.

Keywords: Social capital, Bourdieu, nutritional knowledge, athletes.



Interdisciplinary
Studies in the Humanities

27

Abstract

1. Ph.D. student of Sociology of Economy and Development, Department of Social Science, Ferdowsi University, Mašhad, Iran. Fsheta.fardin@gmail.com

2. M.A. in Sports Physiology, Šahid Beheštī University, Tehran, Iran. Al.maleki@sbu.ac.ir

Bibliography

- Abdollahi, M., & Musavi, M. (1386/2008). Sarmāye-ye ejtemā'i dar Iran, vaz'iyat-e mojud, durnamā-ye ayande va emkānšenāsi-ye gozār [Social Capital in Iran: Current Status, Prospect, and Feasibility]. *Refāh-e Ejtemā'i*, 6(25), 195-223.
- Abolqāsemi, A., Morādi, S., Narimāni, M., Zāhed, Ā. (1390/2012). Rābete-ye ebtekāre šaxsi, Jahatgiri-ye mazhabi va sarmāye-ye ejtemā'i-ye sāzmāni ba dāneš-e šoghli-ye kārkonān-e marākez-e tolidi. [The relationship between personal initiative, religious orientation and organizational social capital and workers job performances in the productive centers]. *Dāneš va pažuheš dar ravānšenāsi-ye kārborderi*, 12 (1), 86-94.
- Amirsāsān, R., Jāfari, A., & Purrazi, H. (1392/2014). Barresi-ye āgahi, Negareš va amalkard-e taghziye-i va avāmel-e mo'asser bar ān dar varzeškārān-e noxbe-ye ĀzARBāyJān-e šarqi. Fizioloži-ye varzeš va fa'aliyat-e badani [The study of knowledge, attitude and nutritional function and its effective factors among the elite athletes of ĀzARBāyJān-e Šarqi]. *Fizioloži-ye varzeši va fa'aliyat-e Badani*, 10, 885-903.
- ĀzARBāyJāni, M. A., Homāyi, H., & Šowqiyan, P. (1390/2012). *Arzyābi-ye negareš va dāneš-e taghziye-ye omumi va extesāsi-ye qahremānān-e do-ye esteqāmat-e lig-e bartar-e Iran* [The evaluation of attitude and public and specialty knowledge of nutritional knowledge among Iran's champion league in long-distance marathon (M.A. Thesis). Faculty of Physical Education, Urniversity of Šahid Behešti, Tehran, Iran.
- Bourdieu, P. (1986). The forms of capital. in J. G. Richardson (Ed.), *Handbook of theory and research for sociology of education*. New York: Greenwood Press.
- Cockburn, E., Fortune, A., Briggs, M., & Rumbold, P. (2014). Nutritional knowledge of UK coaches. *Nutrients*, 6(4): 1442-1453. doi: 10.3390/nu6041442.
- Coleman, J. S. (1377/1999). *Bonyād-e nazariyehā-ye ejtemā'i* [Foundations of social theory] (M. Saburi, Trans.). Tehrān. Iran: Našr-e Ney.
- Coleman, J. S. (1988). Social capital in the creation of human capital. *The American Journal of Sociology*, 94, S95-S120.
- Delāvar, A., (1385/2007). *Raveš tahqiq dar ravānšenāsi va olum-e tarbiyati* [Methodology in psychology and educational sciences]. Tehrān. Iran: Našr-e virāyeš.
- Eršādi, F. (1388/2010). *Barresi-ye rābete-ye mizān-e barxordāri az sarmāye-ye ejtemā'i va rezāyat-e šoghli-ye dabirān-e zan-e dabirestānhā-ye šabestar* [The study of the relationship between the rate of having social capital and job satisfaction among women teachers of Šabestar high school] (M.A. Thesis). University of Tehrān, Iran.
- Field, J. (1388/2010). *Sarmāye-ye ejtemā'i* [Social capital] (Gh. Ghaffāri, & H. Ramezāni, Trans.). Tehrān. Iran: Našr-e Kavir.



- Freedman, M. R., & Alvarez, K. P. (2010). Early childhood feeding: Assessing knowledge, attitude and practices of multiethnic childcare providers. *Journal of the American Dietetic Association*, 110(3), 447-451. doi: 10.1016/j.jada.2009.11.018
- Fukuyama, F. (1379/2001). *Pāyān-e nazm, Sarmāye-ye ejtemā'i va hezf-e ān* [The end of the order] (Gh. Tavassoli, Trans.). Tehrān, Iran: Jāme'e-ye Iran.
- Hamady, C., Gilis, J., Anderson, D., & Morgan, A. (2014). Nutrition knowledge and interest of collegiate athletes at a division I University. *Journal of Food and Nutrition*, 1, 1-7.
- Harper, R. (2001). *Social capital: A review of the literature*. London: Office for National Statistics October.
- Hendrie, G. A., Coveney, J., & Cox, D. (2008). Exploring nutrition knowledge and the demographic variation in knowledge levels in an Australian community sample. *Public Health Nutrition*, 11(12): 1365-1371. doi: 10.1017/S1368980008003042
- Herreros, F. (2004). *The problem of forming social capital: Why trust?*. Palgrave Macmillan.
- Holley, S. J. (2015). *Evaluation of sports nutrition knowledge between NCAA student-athletes across divisions* (M. S. thesis). Kent State University College of Education.
- Hoseynpur, N. (1388/2010). *Barresi-ye rābete-ye sarmāye-ye ejtemā'i va refāh-e zehni dar beyn-e kārkonān-e vezārat-e refāh va tā'min-e ejtemā'i* [The Relationship between social capital with subjective welfare among the staff of Ministry of Welfare and Social Security] (M.A. Thesis). Faculty of Social Sciences, University of Tehrān, Iran.
- Imān, M. T., & Banifāteme, Z. (1393/2015). *Barresi-ye rābete-ye sarmāye-ye ejtemā'i-ye bānovān-e javān va mošārekāt-e ānān dar fa'āliyathā-ye varzeši dar šahr-e Yazd* [The study of relationship between young women's social capital and their participation in physical activities in Yazd]. *Faslnāme-ye Olum-e Ejtemā'i-ye Dānesgāh-e Āzād-e Eslāmi, Vāhed-e Šustar*, 8(2), 25-50.
- Lesser, E. L. (2004). *Leveraging social capital in organizations*. Butterworth-Heinemann.
- Meyer, F., O'Connor, H., & Shirreffs, S. M. (2007). Nutrition for the young athlete. *Journal of Sports Sciences*, 25, S73-S82. doi:10.1080/02640410701607338
- Mottram R. F. (1387/2009). *Taghziye-ye ensān* [Human nutrition] (M., Lotfi, Trans.). Tehrān, Iran: Enteshārāt-e Jahād-e Dānesgāhi-ye Markaz-e Pezeški-ye Iran.
- Narayan, D., Nyhan, V., & Woolcock, M. (2004). *Measuring capital*. An Integrate, the world bank.
- Pārsāmeh, M., & Torkān, R. (1391/2013). *Barresi-ye rābete-ye beyn-e sarmāye-ye ejtemā'i va mošārekāt dar fa'āliyathā-ye varzeši* [The relationship between social capital and participation of physical activities]. *Pažuheš-e parastāri*, 26, 69-79.





- Putnam, R. D. (1379/2001). *Demokrāsi va sonnathā-ye madani: Sarmāye-ye ejtemā'i va sonnathā-ye madani dar Itāliya-ye Modern* [Making democracy work: Civic traditions in modern Italy] (M. T. Delforuz, Trans.). Tehrān, Iran: Daftar-e Motāle'āt va Tahqiqāt-e Siyāsi-ye Kešvar.
- Putnam, R. D. (2000). *Bowling alone: The collapse and revival of American community*. New York: Simon & Schuster.
- RahmāniFiruzjāh, A., Šare'pur, M., & Rezāyišāh, S. (1390/2012). Sanješ-e tamāyoz-e sarmāye-ye ejtemā'i-ye javānān ba mehvariyat-e mošārekat-e varzeši: Motāle'e-ye moredi-ye dānešjuyān-e varzeškār va gheyr-e varzeškār-e dānešgāh-e māzandarān [The Study of Differences in Social Capital among the Youth with emphasize on Sport Participation: Case study of athletic and non-athletic students of University of Māzandarān]. *Jāme'e Šenasi-ye Motāle'āt-e Javānān*, 2(2), 37-62.
- Ruston, D., Akinrodoye, L. (2002). *Social capital question bank*. Social Analysis and Reporting Division, UK National Statistics.
- Sā'i, A. (1387/2009). *Raveš tahqiq dar olum-e ejtemā'i* [Methodology in social sciences]. Tehrān, Iran: Samt.
- Šare'pur, M., & Hosseynirād, A. (1387/2009). Barresi-ye rābete-ye sarmāye-ye ejtemā'i va mošārekat-e varzeši: Motāle'e-ye moredi-ye šahrvandān-e 15-29 sāle-ye šahr-e Bābol [The study of the relationship between social capital and participation in physical activities: Case study of 15-29 years old citizens in Babol]. *Harekat*, 37, 131-153.
- Smite, S. S. (2005) don't put my name on it. (Dis)trust and job-finding assistance among the black urban poor. *American Journal of Sociology*, 111(1), 1-57.
- Song, L., Son, J., Lin, N. (2010). *Social capital and civic action a network-based approach*. Department of Sociology, Duke University.
- Sossin, K., Gizis, F., Marquart, L.F., Sobal, J. (1997). Nutrition beliefs, attitudes and resources of high school wrestling coaches. *International Journal of Sport Nutrition*, 7(3), 219-28.
- Stone, W. (2001). *Measuring social capital; Towards a theoretically in formed measurement framework for researching social capital in family and community life*. Australian Institute of Family Studies.
- Stone, W., Gray, M., & Hugs, J. (2003). *Social capital at work*. Australian Institute of Family Studies.
- Tājboxš, K. (1384/2006). *Sarmāye-ye ejtemā'i-ye e'temād, demokrāsi va towse'e* [Social capital, trust, democracy and development] (A. Xākbaz, & H. Puyān, Trans.). Tehrān. Iran. Našr-e Širāze.
- Tavassoli, Gh., & Musavi, M. (1384/2006). Mafhum-e sarmāye-ye ejtemā'i dar nazariyehā-ye kelāsik va jadid bā ta'kid bar nazariyehā-ye sarmāye-ye ejtemā'i [The concept of social capital in classic and new theories: With emphasize on social capital theories]. *Nāme-ye Olum-e Ejtemā'i*, 26, 1-32.

Woolcock, M., & Narayan, D. (1998). Social capital: Implications for development theory, research and policy. *The World Bank Research Observer*. 15(2), 225-249. doi:10.1093/wbro/15.2.225

Ziersh, A. M., Baum, F. E., Macodougall, C., & Putland, C. (2005). Neighborhood life and social capital: the implication for health. *Social Science and Medicine*, 60(1),71-86. doi: 10.1016/j.socscimed.2004.04.027



Interdisciplinary
Studies in the Humanities

31

Abstract